

فقرا شد. همانطور که شواهد اثبات کرد، بسیاری از تولیدکنندگان کوچک قادر شدند تا وارد صنعت قهوه شوند. اگرچه آزادسازی بازارهای کشاورزی اثر نیرومندی بر کاهش فقر داشته است، اما کاهش ناگهانی قیمت به خصوص برای اقتصاد کشاورزی با درجه خیلی محدود تنوع، خطرناک است. کوشش برای بهبود قیمت کالاهای تولیدی در دیگر محصولات مانند پنبه و شاخص‌هایی برای کمک به افزایش تنوع در کشاورزی و بازاریابی و مراحل پردازش کشاورزی، بخش مهمی از برنامه‌های عملی برای کاهش مداوم فقر می‌باشد.

## **فصل دوم: راهبردها و سیاست‌های رشد موافق فقرا**

### **۱- آیا راهبردها و سیاست‌های رشد تأثیری بر فقر دارند؟**

آیا هیچ راهبرد توسعه‌ای خاصی، یا سیاست‌های معینی وجود دارد که به‌طور همزمان سبب نرخ‌های رشد بالا و مداوم، توزیع عادلانه و کاهش سریع فقر شود؟ در واقع، این پرسش از این جهت بروز می‌کند که ناکارآمدی الگوهای جاری رشد اقتصادی در اکثر کشورها می‌طلبد تا سیاست‌های مستقیم‌تری برای کاهش فقر و نابرابری اعمال شود. جنگ، درگیری نظامی و فروپاشی دولت‌ها سبب فقر می‌شوند یا آن را بدتر می‌کنند. فساد موجود، نخبگان رانت‌جو، فقدان احترام به حقوق کار و مالکیت، بوروکراسی‌های ناکارآمد، تعهد ضعیف جهت اتخاذ اصلاحات سیاسی و نهادی، تخریب محیط زیست، تبعیض منطقه‌ای، جنسی، قومی، نژادی و رشد سریع جمعیت، همه برای کاهش فقر مضرند. بنابراین، رشد مداوم و پایدار درون ساختارهای نابرابر و فاسد و تبعیض‌آمیز به‌طور قهری موجب افزایش نابرابری می‌شود و فقرا اگر بهره‌ای ببرند، بسیار کمتر از دیگران خواهد بود، چون صدا و رأی ندارند.

مطابق ادبیات رشد اقتصادی، گزارش توسعه جهانی اعلام می‌دارد که آزادسازی تجارت بین‌المللی، سیاست شفاف پولی و مالی که در کسر بودجه ملایم و فقدان تورم بالا متجلی می‌شود، نظام مالی خوب توسعه داده شده و دولت با اندازه مناسب و معتدل، همه این‌ها به‌طور نیرومندی بر رشد اقتصادی اثر می‌گذارند. فقدان فساد و حاکمیت نیرومند قانون نیز محیط مساعدی برای رشد اقتصادی فراهم می‌کند.

## ۲- راهبردهای رشد موافق فقرا

راهبرد رشد اقتصادی، مجموعه سیاست‌های مستقیم یا غیرمستقیم ارتقای رشد اقتصادی است که منابع تولید را به بخش‌های گوناگون اقتصادی (کشاورزی، صنعت، خدمات، و بخش جدید دانش) و به مناطق مختلف کشور تخصیص می‌دهد و سبب نرخ ویژه‌ای از رشد و توزیع خاصی از درآمد میان افراد خواهد شد. این اثرات بر نرخ رشد و توزیع درآمد تأثیری را که آن راهبرد بر نرخ کاهش فقر خواهد داشت، معین می‌کند. با توجه به این تعریف، می‌توان راهبردهای گوناگون رشد اقتصادی موافق فقرا داشت که هر یک نرخ خاصی از رشد و توزیع ویژه‌ای از درآمد را بین بیست یا چهل درصد پایین درآمدی (فقرا) سبب شوند. بنابراین، ابتدا می‌بایست در مورد انواع راهبردهای رشد موافق فقرا اطلاعاتی کسب کنیم، آنگاه درباره سیاست‌های مستقیم و غیرمستقیم ارتقای رشد اقتصادی موافق فقرا که منابع تولید را به بخش‌های گوناگون اقتصادی و به مناطق مختلف کشور به نحوی تخصیص می‌دهد که عادلانه باشد و فقرا به طور ترجیحی (تبعیض آمیز) نفع ببرند، بحث کنیم.

امروزه با تغییراتی که در مفهوم، علل و پویایی‌های فقر بوجود آمده، دو نوع عمده راهبرد موافق فقرا، قابل شناسایی است:

۱. راهبردهایی که بر انواع سرمایه تکیه می‌کنند و به فقر مزمن نظر دارند؛
۲. راهبردهایی که به فقر گذرا نظر می‌کنند و به درمان شوک‌ها و ریسک‌ها توجه می‌کنند.

### ۱.۲. نوع اول راهبردهای رشد موافق فقرا

نوع اول راهبردهای رشد موافق فقرا، بر انواع سرمایه اقتصادی، انسانی، سیاسی، اجتماعی، و فرهنگی تکیه داشته و بیشتر به فقر مزمن نظر دارد. یعنی، این نوع راهبردها می‌خواهند ریشه فقر دائمی و مزمن را که از فقدان انواع سرمایه نشأت می‌گیرد، بخشکانند. به دیگر سخن، کسانی که همواره در فقر به سر می‌برند چون دارایی یا درآمد یا مهارت یا قدرت یا پشتیبان یا اعتبار و پرستیژ یا توان کار ندارند، چگونه می‌توان آنها را به بالای خط فقر هدایت کرد؟ و چه راهبردهایی برای این مهم وجود دارند؟

## ۱.۱.۲. راهبرد حداکثر کردن رشد

در خلال دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰، هدف اولیه رشد اقتصادی، افزایش سطوح سرمایه‌گذاری در کشورهای در حال توسعه بود، که در ابتدا با تزریق پس‌انداز خارجی (کمک)، به منظور دستیابی به رشد سریع حاصل می‌شد. انتظار بر این بود که این تزریق سبب اثر «سرریز» شود، که عمده‌تاً از طریق اشتغال بالاتر و دستمزدهای واقعی بالاتر، که فقر را حذف می‌کنند، انجام پذیرد. در این پارادایم، هیچ سیاست صریح موافق فقرایی وجود نداشت؛ فقط سیاست‌های «موافق رشد» بودند که در نهایت به کاهش فقر منجر می‌شدند. اما در موارد بی‌شمار، این فرآیند رشد با افزایش نابرابری همراه بود. بدین ترتیب، آنچه که اثر سرریز نامیده می‌شد، یا ضعیف بود و یا اصلاً وجود نداشت.

اندیشمندانی مانند آرتور لوئیس در توجیه شکست این راهبرد، این پرسش را مطرح کردند که: چه هنگام رشد برای فقرا خوب نیست؟ یا چرا رشد، درآمد فقرا (یعنی، کسانی که در بخش سنتی هستند) را افزایش نمی‌دهد؟ لوئیس شش حالت برای کاهش درآمد فقرا در بخش سنتی مطرح می‌کند. این حالت‌ها عبارتند از:

۱. اگر رشد بخش مدرن سبب غارت بخش سنتی شود؛
  ۲. اگر کالاهای بخش مدرن موجب رقابت با تجارت سنتی و تخریب آن شود؛
  ۳. اگر سطح دستمزد در بخش مدرن به قدری بالا باشد که اشتغال در بخش‌های دیگر را از بین ببرد؛
  ۴. اگر توسعه سبب بهبود سلامت عمومی و بنابراین کاهش نرخ مرگ و میر گردد (افزایش جمعیت موجب کاهش درآمد سرانه می‌شود)؛
  ۵. اگر رشد بخش مدرن به قطبی شدن جغرافیایی منجر شود (دوگانگی منطقه‌ای)؛
  ۶. اگر توسعه بخش مدرن موجب مهاجرت بیش از حد از مناطق روستایی شود.
- شکست راهبرد سنتی رشد در مبارزه علیه فقر و نابرابری به این بحث منجر شد که راهبردهای رشدی طراحی شوند که هدفشان تسکین مستقیم رنج‌ها و آلام محرومان و فقیران جامعه باشد.

## ۲.۱.۲. راهبرد پرداخت‌های انتقالی مستقیم

با شکست راهبرد حداکثر کردن رشد در مبارزه علیه فقر، تمرکز در ابتدا به طراحی سیاست‌های هدفمند ضد فقر به شکل «شبکه‌های تأمین اجتماعی» برای کنترل فقر منتقل شد. هدف این راهبرد، رسیدگی به آن گروه‌هایی بود که توسط فرآیند رشد، حذف یا حاشیه‌نشین می‌شدند. مداخله‌های هدفمند ضد فقر فوق از طریق پرداخت‌های انتقالی دولت برای کاهش ضررهای احتمالی رشد بر فقرا وضع شد.

هدف این است که با افزایش سطوح درآمد فقرا یا عرضه کالاها و خدمات اساسی (بهداشت و سلامت، غذا، و...) افزایش رفاه مصرف‌کنندگان فقیر یا تأمین نیازهای اساسی آنها ممکن شود. پرداخت‌های انتقالی از طریق سه سیاست موجب تقویت شبکه تأمین اجتماعی می‌شود:

۱. پرداخت‌های انتقالی جنسی

۲. پرداخت‌های انتقالی نقدی

۳. طرح‌های امور عام‌المنفعه

### ۱. سیاست پرداخت‌های انتقالی جنسی

در ادبیات اقتصادی، پرداخت‌های انتقالی جنسی چهار نوع هستند: یارانه‌های قیمتی، طرح‌های جیره‌بندی مقدار، کوپن‌های غذا، و سیاست‌های کمک غذایی که از طریق نوع غذا (حبوبات دانه درشت و ریشه‌های گیاهان) یا به وسیله ویژگی‌های جغرافیایی، جنسی و غیره دریافت کنندگان، فقیران را هدف‌گیری می‌کنند.

### ۲- سیاست‌های پرداخت‌های انتقالی نقدی

معیار پرداخت‌های انتقالی نقدی موافق فقرا شامل کمک اجتماعی، از قبیل طرح‌های مقرری پیران، پیوه زنان یا ناتوانان و برنامه‌های کمک دولت به خانواده‌ها (حق اولاد) می‌شود.

### ۳- سیاست طرح‌های امور عام‌المنفعه

امور عام‌المنفعه برای ایجاد یا نگهداری زیربناهای اساسی (راه‌ها، آبیاری، بهداشت و سلامت، آموزش و غیره) طراحی شده است. یکی از اهداف اصلی این طرح‌ها، فراهم کردن اشتغال برای کسانی است که با بیکاری پنهان مزمن یا فصلی یا عدم اشتغال مواجه هستند.

## ۲. ۱. ۳. راهبرد سرمایه انسانی

راهبرد سرمایه انسانی از یک سو بر پیوند بین سرمایه‌گذاری در آموزش، بهداشت و سلامت و تغذیه و بین درآمدهای اولیه فقرا تمرکز می‌کند. بنابراین، هدف اولیه این راهبرد آن است که از طریق افزایش درآمدهای اولیه، رفاه مصرف‌کنندگان فقیر افزایش یابد. بدین منظور، تأمین نیازهای اساسی آنها به طور مستقیم از طریق تدارک خدمات اجتماعی تحقق می‌یابد. از سوی دیگر، بر تعامل بین آموزش، بهداشت و سلامت و تغذیه و نیز اهمیت نسبی‌شان در تبیین تغییرات بهره‌وری تأکید می‌شود. در این راهبرد، سهم عمده از هزینه‌های عمومی به آموزش و بهداشت تخصیص می‌یابد و سهم کمتر مخارج عمومی دولت مربوط به تغذیه، آب و فاضلاب است.

### سیاست‌های آموزشی موافق فقرا

سیاست‌های آموزشی موافق فقرا بر آموزش ابتدایی مبتنی بر روستا، برنامه‌های سواد پایه، برابری آموزشی بین زنان و مردان و غیره متمرکز شده‌اند.

### سیاست‌های بهداشت و سلامت موافق فقرا

سیاست‌های بهداشت و سلامت موافق فقرا بر مراقبت بهداشتی اولیه روستایی مبتنی بر مدل توان‌بخشی اجتماعی، دسترسی به مراقبت‌های پیش و پس از تولد، برنامه‌های واکسن زدن و ایمن‌سازی، برنامه‌های طراحی جمعیت و خانواده و غیره تأکید کرده‌اند.

### سیاست‌های تغذیه موافق فقرا

سیاست‌های غذایی موافق فقرا بر معالجه کم‌آبی بدن، مبارزه با انگل‌ها، نظارت بر تغذیه و مراقبت از رشد کودکان تمرکز کرده‌اند.

### سیاست‌های آب و فاضلاب موافق فقرا

سیاست‌های آب و فاضلاب موافق فقرا عبارتند از: بهبود خطوط آبرسانی، زهکشی فاضلاب سیستم دفع زباله مناطق فقیرنشین شهری و عرضه آب روستایی با مدیریت انجمن روستا.

## ۲. ۱. ۴. راهبرد تابع تولید

راهبرد تابع تولید موافق فقرا، سومین راهبرد رشد اقتصادی است که نهادهای مالی بین‌المللی برای فقرزدایی معرفی کرده‌اند. این راهبرد بر سازوکارهایی متمرکز می‌کند که درآمد اولیه فقرا را افزایش می‌دهد و بر عواملی تأکید می‌شود که سطح قیمت محصول یا بازده دریافت شده توسط تولیدکنندگان فقیر را افزایش می‌دهد. این راهبرد بر ایده تابع تولید مبتنی است که به موجب آن محصول تابعی از عوامل تولید (زمین، نیروی کار، سرمایه و تکنولوژی) می‌باشد.

سیاست‌های تابع تولید بر تغییر نهادهای تولید (زمین، نیروی کار، سرمایه فیزیکی و سرمایه مالی) متمرکز می‌شود تا سطح محصول فقرا یا قیمت آن را افزایش دهد. این سیاست‌ها از این پنج راه می‌توانند به افزایش محصول کمک کنند:

۱. افزایش مقدار نهادهای تولید؛

۲. بهبود توزیع نهادهای تولید در حالت ثابت بودن مقدار آنها؛

۳. افزایش‌های موافق فقرا در بهره‌وری عوامل تولید؛

۴. کاهش قیمت نهادهای خریداری شده توسط فقرا؛

۵. افزایش قیمت محصولات تولید شده که از نهادهای به کار گرفته شده فقرا زیاد استفاده می‌کنند.

## سیاست‌های موافق فقرا و زمین

یکی از مهم‌ترین نهادهای تولید برای کشورهای فقیر و کمتر توسعه یافته، منابع طبیعی، به‌ویژه زمین است. افزایش مقدار زمین برای روستاییان فقیر از طریق اصلاحات ارضی، بهبود توزیع زمین از طریق اصلاحات اجاره‌داری زمین، افزایش بهره‌وری روستاییان فقیر از طریق ارائه محصولات با بازده بالا عرضه نهادهای کشاورزی یارانه‌ای (مانند کود و بذر) و افزایش قیمت محصولات کشاورزی فقرای روستایی از قبیل گندم، برخی از سیاست‌های موافق فقرا برای تداوم رشد کشاورزی است.

## سیاست‌های موافق فقرا و نیروی کار

سیاست‌های موافق فقرای مرتبط با نیروی کار که پنج راه گذشته را اعمال می‌کنند، عبارتند از: افزایش اطلاعات اشتغال، افزایش نرخ‌های مشارکت نیروی کار (از طریق مراقبت از بچه‌های کارگران و سیاست جمعیت)؛ حذف موانع ورود به بازار کار (تدوین قوانین ضد تبعیض)؛ بهبود بهداشت و سلامت و ایمنی محیط کار؛ توسعه تکنیک‌های کاربر تولید؛ حمایت از توسعه بنگاه‌های کوچک و متوسط<sup>۱۵</sup> به ویژه در بخش‌های غیرکشاورزی روستایی و بخش‌های غیررسمی شهری. سیاست‌های مستقیم‌تر بازار نیروی کار عبارتند از: تدوین قوانین حداقل دستمزد و تدوین قانون محدودیت کار کودکان.

## سیاست‌های موافق فقرا و سرمایه فیزیکی

سیاست‌های موافق فقرای مرتبط با سرمایه فیزیکی در مناطق روستایی از پنج راه می‌تواند درآمد فقرا را افزایش دهد. افزایش سرمایه‌های فیزیکی روستایی از طریق سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی مانند سدسازی و هموار کردن مسیر آب به روستاها و ایجاد راه‌های روستایی که در هر آب و هوایی قابل استفاده باشند، امکان‌پذیر است. کمک به روستاییان در ایجاد چاه‌های لوله‌ای عمیق و غیرعمیق نیز موجب کاهش هزینه‌های تأمین آب کشاورزی می‌شود. حمایت از بازاریابی برای بنگاه‌های خرد روستایی و تعاونی‌های کشاورزان سبب خواهد شد تا قیمت کالاها و خدمات روستایی افزایش یابد. سیاست‌های موافق فقرای مرتبط با سرمایه فیزیکی در مناطق شهری از دو طریق بر حمایت از بنگاه‌های کوچک و متوسط تأکید خاصی می‌کنند:

- طریق اول: کاهش فساد دولتی و روان‌سازی و ساده‌سازی اداری که نتیجه‌اش کاهش هزینه‌های معاملاتی بنگاه‌های کوچک و متوسط است.

- طریق دوم: حمایت فعال از بنگاه‌های کوچک و متوسط که نتیجه یارانه‌ای دارد.

## سیاست‌های موافق فقرا و سرمایه مالی (اعتبارات)

سیاست‌های موافق فقرای مرتبط با سرمایه مالی از تدارک اعتبارات فزاینده برای گروه‌های فقرا به یکی از طرق زیر

حمایت می‌کنند:

- ارتقای ابتکارهایی از نوع بانک گرامین. بانک گرامین در سال ۱۹۷۸ فعالیت خود را در بنگلادش با هدف جمع‌آوری متکدیان آغاز کرد. به طور مثال، بانک گرامین ۵/۸ میلیون دلار به متکدیان می‌دهد تا برای درآمد بیشتر شکلات، شیرینی، فندق، و دیگر مواد خوراکی بفروشند. این بانک قبلاً طرح مشابهی را با موفقیت در مورد زنان روستایی اجرا کرده بود، زنان با استفاده از این طرح نه تنها هزینه‌های زندگی خود را تأمین کردند، بلکه توانستند ماهانه ۴۰۰ تا ۵۰۰ دلار درآمد کسب کنند و زمین کشاورزی، وسیله و دام بخرند.

- توسعه بانکداری موافق فقرای درون سیستم بانکداری موجود؛

- عرضه اعتبارات به عنوان بخشی از حمایت از بنگاه‌های کوچک و متوسط.

به هر تقدیر، سه راهبرد پرداخت‌های انتقالی، سرمایه انسانی و تابع تولید با ترکیب با یکدیگر راهبرد سه‌شاخه‌ای رشد موافق فقرای بانک جهانی را در دهه اخیر تشکیل می‌دهند. اما از آنجا که این راهبرد بدون دولت سالم و نهادهای کارآمد پاسخگو نبود، اجزای جدیدی برای تکمیل راهبردهای گذشته مطرح شدند.

## ۲. ۱. ۵. راهبرد اقتصاد سیاسی رشد موافق فقرای (سه اصل حاکمیت)

دهه آخر قرن بیستم شاهد گسترش راهبرد کاهش فقر بانک جهانی بوده است. عدم توجه به سرمایه‌های غیراقتصادی از قبیل سرمایه اجتماعی، سرمایه سیاسی، سرمایه فرهنگی و سرمایه طبیعی در راهبردهای رشد اقتصادی موافق فقرای موجب شکل‌گیری مفهوم «حاکمیت» و «حاکمیت خوب» شد. در واقع، مشکلی در راهبردهای گذشته موافق فقرای وجود داشت. آن مشکل این بود که سیاست‌های بخش عمومی و تخصیص منابع عمومی حتی در جوامع به ظاهر دموکراتیک نیز به نفع ثروتمندان و قدرتمندان جهت‌گیری داشت و دارد. تجربه این است که سیاست‌ها اقتصادی موافق فقرای تحقق نمی‌یابند مگر اینکه امور سیاسی و فرآیند حاکمیت توجه بیشتری به فقرای داشته باشد. برای اینکه سیاست‌های اقتصادی بر کاهش فقر متمرکز شود، ساختار حاکمیت باید کارا و اثربخش باشد.



## تعریف حاکمیت

حاکمیت، بکارگیری قدرت سیاسی، اقتصادی و اداری در مدیریت امور کشور در همه سطوح است. حاکمیت مفهومی است خنثی که شامل سازوکارها، فرایندها، روابط و نهادهای پیچیده‌ای است که از خلال آنها شهروندان و گروه‌ها منافعشان را ابراز، حقوق و تکالیف‌شان را اعمال و اختلافات‌شان را تعدیل می‌کنند. حاکمیت از سه بخش دولتی، خصوصی، و جامعه مدنی ناشی می‌شود.

## تعریف حاکمیت خوب

این واژه به معنای تخصیص و مدیریت منابع جهت واکنش نسبت به مسائل جمعی است؛ و با مشارکت، شفافیت، پاسخ‌گویی، حاکمیت قانون، اثربخشی، کارآمدی و عدالت توصیف می‌شود.

## سه اصل حاکمیت

حاکمیت سه اصل اساسی را تجسم می‌بخشد: فراگیری، قانون‌مندی، و پاسخ‌گویی.

## اصل اول: فراگیری

فراگیری می‌طلبد که ساختارهای حاکم رسمی یا غیررسمی، نماینده یا صدای دامنه وسیعی از علاقه‌های متفاوت، شامل علایق فقرا باشند. فرض بر این است که محرومیت و فقر معلول حذف از قدرت تصمیم‌گیری است. فراگیری به دنبال کاهش این مسأله از طریق توانمند ساختن گروه‌هایی است که به لحاظ تاریخی از حقوق شهروندی محروم بوده‌اند. همچنین، فراگیری در ارتباط نزدیک با موضوعات توانمندسازی (هوشیاری و تحرک اجتماعی)، دموکراسی مشارکتی، سازمان جامعه مدنی (شامل نقش بنگاه‌های کوچک و متوسط، و رسانه‌ها) و تمرکز زدایی می‌باشد. فراگیری با سرمایه اجتماعی، سیاسی فرهنگی و ابعاد رفاه یا محرومیت اجتماعی که با حق انتخاب مرتبط است، خودمختاری، احترام، عزت نفس و یکپارچگی اجتماعی رابطه نزدیکی دارد.

## اصل دوم: قانونمندی

قانونمندی می‌طلبد که ساختارهای حاکم از حاکمیت قانون فرمانبری کنند و به عنوان ضامن و کفیل رفتار و سیره مدنی قانونی عمل کنند. منافع فقرا از دو طریق می‌تواند تخریب شود:

۱. از طریق قوانین ذاتاً نابرابر از قبیل مربوط به حقوق مالکیت یا رفتارهای تبعیض آمیز علیه اقلیت‌ها و زنان؛

۲. به واسطه کاربرد و اجرای ناعادلانه قوانین.

به طور کلی نظام درست قضایی لازم است که رشد اقتصادی را تداوم بخشد و موجب افزایش آن شود و از حقوق مردم فقیر دفاع کند. این کار هنگامی صورت می‌گیرد که حقوق مالکیت، محترم، تقدس عقود، تضمین، هزینه قراردادهای، کمتر و ائتلاف فقرا مورد حمایت باشد. بنابراین، اساس محرومیت و بینوایی در عملکرد منحرف نظام قضایی نهفته است که یا از حمایت محرومین عاجز است یا از دسترس گروه‌های فقیر خارج می‌ماند.

### اصل سوم: پاسخگویی

پاسخگویی می‌طلبد که ساختارهای حاکم، برای اعمالشان پاسخگو و برای مجازات (شامل برکناری) در صورت تخلف آماده باشند. به عبارت دیگر، پاسخگویی یعنی اعتقاد به اصول اول و دوم حاکمیت، یعنی، اصل فراگیری و اصل قانونمندی.

فقر و محرومیت در فرهنگ مصونیت و بخشودگی از مجازات ریشه می‌دواند. این فرهنگ، فرهنگی است که به طور اثربخشی گروه‌های فقیر را از بازخواست صاحبان قدرت منع می‌کند. پاسخگویی عمیقاً با موضوعات فساد، شفافیت، دستیابی به اطلاعات و غیره در ارتباط است. پاسخگویی با سرمایه اجتماعی و سیاسی و با ابعاد رفاه مرتبط یا حق انتخاب (آزادی فردی) ارتباط نزدیکی دارد.

### سیاست‌های رشد موافق فقرای راهبرد اقتصاد سیاسی

با توجه به سه اصل حاکمیت، سه دسته سیاست‌ها لازم است تا ائتلاف‌های گسترده فقرا مورد تأیید قرار گرفته و از این طریق سیاست‌های اقتصادی موافق فقرای دولت‌ها، کارآمد و اثربخش گردند.

### ۱. سیاست توانمندسازی و سیاست تمرکززدایی

سیاست توانمندسازی و سیاست تمرکززدایی به دسته اول از سیاست‌ها مربوط و به اصل فراگیری مرتبط است. توانمندسازی به دامنه‌ای از اهداف شامل دستیابی به اعتبارات، زمین یا بهداشت و سلامت، حمایت از حقوق زنان و

گروه‌های حاشیه‌ای نظر دارد. اما تمرکززدایی و تفویض اختیارات به مثابه یکی از قدرتمندترین راه‌های افزایش مشارکت مردم و توانمندسازی فقرا محسوب می‌شود.

## ۲. سیاست‌های مبارزه با بی‌قانونی

در ارتباط با اصل قانونمندی، برخی از سیاست‌های مبارزه با بی‌قانونی ارائه شده که به دسته دوم از سیاست‌های موافق فقرای راهبرد اقتصاد سیاسی مربوط است. این سیاست‌ها عبارتند از:

- اصلاحات حقوقی و قضایی، مثل حذف قوانین ضد فقرا، ساده‌سازی مقررات و قوانین حقوقی و قضایی و غیره؛
- بهبود دستیابی به اطلاعات حقوقی و سواد حقوقی، مثل حمایت از وکالت حقوقی سازمان‌های غیردولتی<sup>۱</sup>؛
- اصلاح پلیس برای حفظ نظم و آرامش؛
- میانجی‌گری برای حل اختلاف‌ها؛
- تدوین و تصویب قانون حقوق بشر و حمایت از آن؛
- آموزش و آگاهی در مورد مبارزه با خشونت‌های خانوادگی.

## ۳. سیاست‌های ارتقای پاسخگویی

برای اصل سوم حاکمیت، یعنی پاسخگویی، دسته سوم از سیاست‌ها ارائه شده که با ارتقای پاسخگویی در ارتباط است. برخی از این سیاست‌ها عبارتند از:

- اصلاحات انتخاباتی (حمایت از انتخابات آزاد)؛
- اصلاحات قانونی و قضایی (تقویت قوانین ضد فساد)؛
- دستیابی به اطلاعات بیشتر (حمایت از مطبوعات، رسانه‌ها، NGO ها و دیگر سازمان‌هایی که از فساد، تحقیق و علیه آن تبلیغات می‌کنند)؛
- نظارت و ارزیابی مشارکتی (مثل کارت‌های گزارش شهروند، رسیدگی به حساب‌های مالی).

<sup>1</sup> NGOs

## ۲.۲. نوع دوم راهبردهای رشد موافق فقرا

فقر دو نوع است: فقر دائمی یا مزمن؛ فقر موقتی یا گذرا. برای حل مشکل فقر دائمی راهبردهای پیش گفته ارائه شد، اما

برای فقر گذرا چه نوع راهبردی از سوی اندیشمندان اقتصادی ارائه شده است؟

### ۲.۲.۱. عناصر کلیدی سیاست‌های موافق فقرا

اصل عمومی برای سیاست‌های موافق فقرا که علم و تجربه عینی بدان رسیده، این است که برای اینکه رشد، کم و بیش،

به طور فوری فقر را کاهش دهد، باید الگویی داشت که منابع را به طور ترجیحی و تبعیض آمیز به امور زیر هدایت کند:

۱. بخش‌هایی که در آنها فقرا کار می‌کنند (مانند کشاورزی و صنایع کاربر با نیروی کار غیرماهر مانند بخش

مسکن)

۲. مناطقی که آنها زندگی می‌کنند (مانند مناطق توسعه نیافته عشایری و روستایی و حواشی شهرها)

۳. عوامل تولیدی که آنها در اختیار دارند (مانند نیروی کار غیرماهر)

۴. محصولات آنی که آنها مصرف می‌کنند (مانند غذا).

مبتنی بر این اصول کلی، چهار نوع از سیاست‌های لازم برای اینکه به نحو مطلوب طراحی و اجرا شوند، شناسایی

می‌شوند تا دلواپسی‌های مربوط به فقر را منعکس کنند.

### ۲.۲.۲. انواع سیاست‌های موافق فقرا

انواع متفاوت سیاست‌ها را بر حسب کارایی‌شان در کمک به کاهش فقر می‌توان به چهار نوع تقسیم کرد:

۱. سیاست‌های کلان اقتصادی

۲. سیاست‌های بخشی

۳. سیاست‌های بازسازی یا ساختاری

۴. سیاست‌های توزیع شخصی

## سیاست‌های کلان اقتصادی

عناصر کلیدی سیاست‌های کلان اقتصادی رشد موافق فقرا سطوح بالای اشتغال و نرخ‌های پایین تورم هستند. زیرا اگر قرار است که رشد، فقر را خیلی کاهش دهد، باید موجب ایجاد اشتغال به مقداری بیش از افزایش نیروی کار شود و باید به تثبیت قیمت کالاهای اساسی و ضروری یاری رساند. یعنی رشد بایستی در بخش‌هایی متمرکز شود که منابع عمده معیشت فقرا در آنجا هستند یا کالاهای خدماتی را تولید کند که توسط آنها مصرف می‌شوند.

### سیاست‌های بخشی

یکی از عناصر کلیدی سیاست‌های موافق فقرا این است که می‌بایست به بخش‌هایی که فقرا در آنجا مشغول به کارند کمک بیشتری کرد؛ زیرا اگر رشد اقتصادی موافق فقرا بخواهیم، می‌بایست رشد تقاضای نیروی کار بیش از رشد عرضه آن شود. از سوی دیگر، قیمت کالاهای اساسی و ضروری مانند غذا و مسکن می‌بایست تثبیت شود (عنصر کلیدی چهارم سیاست‌های موافق فقرا). یعنی رشد باید در بخش‌هایی متمرکز شود که منابع عمده معیشت فقرا در آنجا هستند یا کالاهای خدماتی را تولید کند که توسط آنها مصرف می‌شوند. به نظر می‌رسد که حمایت از دو بخش کشاورزی و مسکن، این عناصر کلیدی سیاست‌های موافق فقرا را تأمین می‌کند.

### سیاست‌های ساختاری (بازسازی)

در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ سیاست‌های تعدیل اقتصادی به‌طور فزاینده‌ای بر کاستن نقش دولت تمرکز کرده بود. تصور این بود که عامل پیشتاز توسعه و عامل ادغام هرچه بیشتر کشور به اقتصاد جهانی، کاستن از اندازه دولت است. این سیاست‌ها دربردارنده مجموعه استانداردی از معیارهایی چون خصوصی سازی و مقررات زدایی، آزادسازی بخش مالی، آزادسازی تجاری و شناور بودن ارز بوده است. اما بحران مالی ۱۹۹۷ کشورهای آسیای شرقی نشان داد که قبل از آزادسازی به نهادسازی‌های مناسب جهت رقابت صحیح و مقررات قوی‌تری برای بازار داخلی سرمایه و بخش بانکداری نیاز است.

### سیاست‌های توزیع شخصی

رشد اقتصاد جهان در خلال دهه ۱۹۹۰ کمتر موافق فقرا بوده است؛ زیرا جهانی شدن نه تنها به نابرابری بیشتر در میان کشورها منجر شده، بلکه همچنین به نابرابری درون کشورها کمک کرده است. نابرابری های دو دهه اخیر و برخی علل جدید نابرابری، اقتصاد توسعه را بر آن داشته است بررسی های بیشتری در مورد سیاست‌های بازتوزیعی به عمل آوردند.

برخی دلایل همیشگی و قدیمی نابرابری بین کشورها و درون آنها عبارتند از:

- تغییرات تکنولوژیک مبتنی بر مهارت؛
- تضعیف اتحادیه‌های کارگری؛
- آزادسازی تجاری؛
- توزیع جانب‌دارانه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی.

## فصل سوم: بررسی ادبیات اقتصاد اسلامی درباره رشد عادلانه

### ۱- مقدمه

اسلام به عنوان دینی جامع و کامل که برای فرد و جامعه انسانی توسعه معنویت و عدالت را به ارمغان آورده و می‌آورد، قهراً برای مبارزه با فقر راهکارهای ویژه خود را دارد. لذا، این پرسش مطرح است که مکتب اقتصادی اسلام چه راهکارهایی برای مشکل فقر اندیشیده است؟ آیا اسلام بر توزیع تاکید دارد یا بر رشد یا بر مبارزه با فقر از طریق سیاست‌های رفاه اجتماعی، یا بر ترکیبی از رشد و توسعه و سیاست‌های اجتماعی؟

اگر فرض کنیم که سیاست های ترکیبی مورد قبول مکتب اقتصادی اسلام باشد، در آن صورت چگونه می توان رشد و عدالت توزیعی را با یکدیگر هماهنگ کرد؟ دیدگاه اقتصاددانان مسلمان در این باره چیست؟ ارزش‌ها و مفاهیمی که در راستای هم جهت کردن رشد و عدالت هستند، کدامند؟ نهادها و سیاست های مورد قبول و پذیرش اسلام برای رشد موافق فقرا کدامند؟ اسلام چه ساز و کارهایی برای تحقق رشد عادلانه در نظر گرفته است؟

## ۲- ادبیات اقتصاد اسلامی رشد و عدالت

به طور کلی، در ارتباط با اولویت رشد یا عدالت توزیعی یا همگامی آنها میان اقتصاددانان مسلمان، می توان به سه

دیدگاه رسید:

۱. اولویت رشد؛

۲. اولویت توزیع؛

۳. همگامی رشد و توزیع.

### ۲-۱- رشد گرایان مسلمان

با وجود تأکید شدید اسلام بر قسط و عدل<sup>۱۷</sup> در نظر اول، به نظر می رسد که از اقتصاددانان مسلمان کسی نباشد تا از رشد اقتصادی خشی دفاع کند، اما واقعیت این است و تجربه تعدیل اقتصادی در ایران نیز این را اثبات کرده که عملگرایان مسلمان دیدگاه متعارف و تفکر غالب در متون اقتصادی را پذیرفته‌اند. آنها نوعی مبادله گریزناپذیر را بین رشد اقتصادی و عدالت اقتصادی به معنای توزیع عادلانه ثروت و درآمد پذیرفته‌اند، زیرا این پرسش برای آنها نیز مطرح بوده است که کشورهای در حال توسعه در برنامه ریزی های اقتصادی خود اولویت را به کدام هدف باید بدهند؟ آیا برای دستیابی به رشد بالای اقتصادی، گسترش نابرابری درآمدها را بپذیرند یا رکود اقتصادی را برای رسیدن به توزیع برابرتر درآمدها تحمل کنند؟ محبوب الحق از کسانی است که در شرایط کنونی، توزیع را کالای لوکسی می دانند که باید منتظر افزایش درآمد سرانه جهان اسلام در آینده شود. «محبوب الحق» معتقد است:

کشورهای توسعه نیافته باید به طور آگاهانه یک فلسفه رشد را بپذیرند و همه طرح‌های مربوط به توزیع عادلانه و دولت رفاه را برای آینده بسیار دور موکول کنند. باید پذیرفت که این برنامه‌ها کالاهای لوکسی اند که تامین آنها صرفاً برای کشورهای توسعه یافته میسر است.

<sup>۱۷</sup> عدالت به این گفته می شود که انسان حق هر کسی را بپردازد و نقطه مقابلش آن است که ظلم و ستم کند و حقوق افراد را از آنها دریغ دارد، ولی قسط مفهومش آن است که حق کسی را به کس دیگری ندهند و به تعبیر دیگر تبعیض روا ندارد و نقطه مقابلش آن است که حق کسی را به دیگری بدهند.

«اباضه» نیز در سمیناری که در سال ۱۹۷۲ میلادی در مکه معظمه برگزار شد، در مقاله ای کوتاه به تبیین این اندیشه پرداخت که گرچه اسلام به عدالت توجه ویژه دارد، اما وضعیت امروز مسلمانان در جهان اقتضا می‌کند که به تلاش هرچه بیشتر برای افزایش تولید اولویت داده شود و تنها هنگامی می‌توان به توزیع و رفع فقر اندیشید که ثمرات این تلاش‌ها به بار نشسته باشد. از نظر اباضه، نگاه دین به عدالت در افق بلندمدت و به عنوان هدفی که در فرآیند توسعه به آن نگرسته شود، می‌باشد.

## ۲-۲- توزیع گرایان مسلمان

برخی از اقتصاددانان مسلمان بر این اعتقادند که اگر پیگیری دو هدف رشد و عدالت با توجه به ظرفیت‌ها و شرایط کشور به تراحم انجامد، در این صورت، جانب عدالت برتری دارد؛ زیرا تحمل فقر و احساس اختلاف‌های فاحش طبقاتی، مفاسدی به بار می‌آورد که جامعه را از هدف اصلی منحرف می‌کند و برگرداندن جامعه به مسیر اصلی - اگر غیر ممکن نباشد - تاوان بسیار سنگینی خواهد داشت. نقوی می‌نویسد:

هر نوع سیاست اقتصادی که سبب ایجاد یا تشدید مداوم نابرابری‌های اجتماعی گردد، به هیچ عذر و بهانه ای از قبیل رشد اقتصادی پذیرفته نیست، زیرا اقتصاد اسلامی فقط به فکر رونق مادی نیست و می‌خواهد کیفیت زندگی نیز بهبود یابد. با توجه به این محدودیت‌ها، سیاست‌گذار اقتصاد اسلامی باید در انتخاب مجموعه ای از سیاست‌های مناسب که شاهد کنترل‌های مستقیم و غیرمستقیم باشد، از آزادی لازم برخوردار باشد، با این فرض که نسبت ترکیب این دو کنترل باید بر اساس مصلحت‌های اقتصادی معین شود.

## ۲-۳- همسو گرایان رشد و عدالت

در مقابل، بسیاری از نویسندگان مسلمان معتقدند که اساساً در تفکر دینی رشد اقتصادی تنها در چارچوب نگرش عدالت خواهانه دین معنادار است. «مودودی» معتقد است همراهی عدالت اجتماعی و رشد اقتصادی، ویژگی بارز و خط مشی اصلی توسعه اقتصادی از دیدگاه اسلام است. «محمد عمر چپرا»، «شوقی احمد دنیا» و «ابراهیم العسل» نیز معتقدند توسعه اقتصادی از نظر دین، در جوهر و ذات خویش عدالت اقتصادی را در بر دارد. از این جهت هر اندازه تولیدات جامعه



افزایش یابد، اما سطح معیشتی شایسته برای آحاد افراد جامعه تحقق نیابد، از نظر دینی نمی‌توان نتیجه را پیشرفت و توسعه نامید. «محمد شوقی الفنجری» از چهره‌های برجسته اقتصاد اسلامی تصریح می‌کند اسلام هرگز ثروت و غنای عده‌ای را با وجود فقر و محرومیت گروهی دیگر، امضاء نمی‌کند. به اعتقاد وی، تا زمانی که جامعه به سطح و حد کفایت در زندگی دسترسی پیدا نکرده است، تفاوت‌های درآمدی، مجاز نخواهد بود. «اکرم خان» نیز معتقد است که در اقتصاد اسلامی تأکیدهای اصلی نه بر رشد بلکه بر عدالت توزیعی قرار دارد.

شهید صدر (ره) تحقق عدالت اقتصادی در جامعه اسلامی را به حداقل چهار اقدام دولت اسلامی منوط می‌داند:

۱. تامین اجتماعی که عهده‌دار حداقل رفاه نسبی برای همه افراد جامعه است.
۲. توازن اجتماعی در زندگی با نزدیک کردن بین سطوح زندگی و توازن اجتماعی در درآمد با منع از احتکار و انحصار و تمرکز ثروت.
۳. بهره‌برداری از تمام امکانات و منابع موجود به نفع بخش عمومی از طریق وضع سیاست کلان رشد و توسعه اقتصادی.
۴. دخالت مسئولانه در بازارهای کالا، خدمات، سرمایه و... به منظور حفظ قیمت مبادله‌ای حقیقی، از طریق مبارزه با انحصار در تمام میادین زندگی اقتصادی

## **فصل سوم: ارزش‌های رفتاری اسلام و رشد اقتصادی پایدار**

### **۱- مقدمه**

رشد اقتصادی پایدار افزایش بلند مدت ظرفیت تولید به منظور افزایش عرضه کل است تا بتوان نیازهای جمعیت را تأمین کرد. صفت پایداری بر رشد تأکید دارد که در آن تامین مستمر نیازها و رضایتمندی افراد همراه با افزایش کیفیت زندگی انسان مدنظر است. همانطور که قبلاً گفته شد، رفاه مادی که نتیجه رشد تولید و حداکثر بهره‌برداری از طبیعت

است، هدفی است که جامعه متقین و امت اسلامی برای آن تلاش می‌کند. البته این هدف در چهارچوب مکتب<sup>۱۸</sup> معنادار است و با حدود مکتبی تعیین می‌شود، همانطور که قرآن کریم بر این نکته تاکید دارد:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحْرَمُوا طَيِّبَاتِ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ<sup>۱۹</sup>

بنابراین نهی از تجاوز از حد در محدوده بهره‌برداری از طبیعت، تعبیر قرآنی از همان چارچوب کلی مکتب است.

افزایش تولید و ثروت از یک سو به پیشرفت فناوری و علوم جدید از جمله اقتصاد بومی بستگی دارد (جنبه عینی تولید) و از سوی دیگر، به تطبیق این پیشرفت‌ها با شرایط نهادی و هنجاری مرتبط با تولید وابسته است (جنبه ذهنی تولید). در قسمت اول، یعنی جنبه عینی تولید، اسلام نه تنها بر وجوب کفایی یادگیری تمامی علوم و فنون مورد نیاز جامعه تاکید دارد، بلکه مسلمانان را به توانمندی و عزتمندی کامل در روابط خود با دیگران و نقش رهبری در نظام جهانی فرا می‌خواند. اما در قسمت دوم، یعنی جنبه ذهنی تولید، اسلام ضمن تشویق به کار، تولید و انباشت سرمایه های انسانی و فیزیکی و مالی و بهره‌وری کامل از این سرمایه ها، در معارف فقهی خود ارزش هایی را مطرح کرده است که می‌تواند رفتارهای بخش خصوصی، دولت، بخش سوم و فقرا را جلوه‌ای الهی بخشند. هنگامی که این ارزش‌ها در سطح کلان نهادینه شوند، نظام تولید کالاها و خدمات از دیدگاه اسلام شکل گرفته و رشد اقتصادی پایدار مبتنی بر ارزش‌های مکتبی تحقق می‌یابد.

## ۲- بخش خصوصی و رشد اقتصادی پایدار

از دیدگاه اسلام، بخش خصوصی یعنی خانوارها و بنگاه‌ها - حقیقی یا حقوقی - وظیفه اصلی ساختن اقتصاد و عمران زمین را برعهده دارند. اما این بخش موظف است در چارچوب های مکتبی فعالیت های اقتصادی خود را سازماندهی کند. این چهارچوب ها به نحوی طراحی شده است که افراد و بنگاه‌ها را به امور مولد، تشویق و هدایت و از امور غیر مولد و

<sup>۱۸</sup> هر گونه نظام منسجم از باورداشتهای در یک حوزه معین مانند جهان بینی و یا نظام منسجم رفتاری در یک حوزه معین مانند اقتصاد را مکتب می‌گویند. استاد شهید مطهری در تعریف مکتب می‌گوید: یک تئوری کلی و یک طرح جامع و هماهنگ و منسجم است که هدف اصلی کمال انسان و تأمین سعادت همگانی است و در آن خطوط اصلی و روش‌ها، باید‌ها و نبایدها، خوب‌ها و بد‌ها، هدف‌ها و وسیله‌ها، نیازها و دردها و درمانها، مسئولیت‌ها و تکلیف‌ها مشخص است و منبع الهام تکلیف‌ها و مسئولیت‌ها برای همه افراد می‌باشد.

<sup>۱۹</sup> ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چیزهای پاکیزه را که خداوند برای شما حلال کرده است، حرام نکنید و از حد تجاوز ننمایید! زیرا خداوند متجاوزان را دوست نمی‌دارد (مانده، آیه ۸۷).

بیهوده دور کند. بخش عمده‌ای از این ارزش‌های فقهی که رفتار بخش خصوصی را در زمینه تولید شکل می‌دهند، عبارتند از:

۱. طرد فعالیت‌های عقیم و بیهوده و تشویق به امور مولد؛

۲. حرمت اسراف، تبذیر<sup>۲۰</sup> و تشویق به پس انداز و سرمایه‌گذاری؛

۳. حرمت کتز<sup>۲۱</sup> و زرا اندوزی و وضع مالیات بر آن؛

۴. ممنوعیت شغل‌گذاری؛

۵. ارث و نقش آن در ایجاد انگیزه برای فعالیت مولد؛

۶. حرمت فعالیت‌های ربوی؛

۷. ترغیب و ارشاد به استفاده از برخی عقود.

حال با توجه به ظرفیت محدود این نوشته، به طور مختصر به بررسی این ارزش‌های فقهی می‌پردازیم.

## ۲-۱- ترد فعالیت‌های عقیم و بیهوده و تشویق به امور مولد

در ساختار هر اقتصاد سه بخش کشاورزی، صنعتی و خدماتی می‌توان یافت. کارهای متفاوتی در این سه بخش انجام می‌گیرد که به طور کلی مولد هستند. اما برخی امور، به خصوص امور خدماتی وجود دارند که تحرک و مفید بودن نیروی مولد را در بلندمدت سلب می‌کند و از لحاظ اخلاقی نیز موجب عذاب می‌شود. فعالیت‌هایی مانند قمار و انواع کلاهبرداری‌ها از دیدگاه اسلام حرام است و کسب درآمد از این طریق مصداق اکل مال به باطل می‌باشد. قرآن کریم می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ<sup>۲۲</sup>

<sup>۲۰</sup> در اسراف بیش از اندازه نیاز مصرف می‌شود اما به هر حال مصرف می‌شود، در حالی که در تبذیر اصلاً مصرف نمی‌شود بلکه هدر رفته و دور ریخته می‌شود.

<sup>۲۱</sup> مؤلف «مصباح المنیر» کتز کردن مال را به معنای جمع و ذخیره کردن مال دانسته است و سایر لغت‌شناسان نیز مفاهیم مشابهی را ذکر کرده‌اند که از مجموع آنها سه خصوصیت برای مفهوم کتز استفاده می‌شود: جمع کردن، انباشتن و راکد گذاشتن.

<sup>۲۲</sup> ای اهل ایمان، مال یکدیگر را به باطل (و ناحق) در میان خود نخورید!

## ۲-۲- حرمت اسراف تبذیر و تشویق به پس انداز و سرمایه گذاری

اسلام، اسراف، تبذیر، اتلاف و اتراف<sup>۳۳</sup> را حرام کرده است، تا به جای آنکه سرمایه ها در راه های تجملی و غیرضروری به کار افتند، در جریان تولید مفید قرار گیرند. فرد با ایمان، از درآمدهای خود به شکل بهینه استفاده کرده و امکان بهره‌برداری بهتر از آنها را در موارد بیشتری فراهم می کند.

## ۲-۳- حرمت کنز و زر اندوزی و وضع مالیات بر آن

اسلام با زر اندوزی و خروج نقدینگی از جریان تولید مخالفت به عمل آورده و طلا و نقره ذخیره شده را مشمول مالیاتی به نام زکات قرار داده است. با اجرای سیاست مالیاتی فوق، تمام اموالی که در صورت نبودن مالیات مزبور، بدون نتیجه و از شرکت در صنعت، کشاورزی و خدمات برکنار می ماند، به قلمروی تولید جذب و جلب می شود.

## ۲-۴- ممنوعیت شغل گدایی

نظام اقتصادی اسلام با سیاست های گوناگون اقتصادی خود برای تامین رفاه همه، دیگر جایی برای شغل گدایی باقی نمی گذارد و کسانی که توانایی کار و ایجاد درآمد داشته، ولی از آن طفره می روند مطرودند. اسلام به شدت با تکدی گری و ابراز نیاز بدون فقر مبارزه می کند.

«قیصه بن مخارق الهلالی» نقل می کند که پیامبر گرامی (ص) فرمود:

درخواست خیرات مجاز نیست مگر برای سه نفر: کسی که زیر بار بدهی است، مجاز است درخواست کند تا این که از عهده بدهی برآید و سپس برگرداند؛ کسی که به بلایی مصیبت زده شده که ثروتش را از بین برده، مجاز است درخواست کند تا این که برای معاش پشتیبانی بیابد؛ و کسی که با فقر مهلکی مواجه شده باشد، به طوری که سه شخص معتبر از خاندانش بپذیرند که فلانی با فقر مواجه است. چنین شخصی مجاز به درخواست برای یافتن معاش کافی است. بنابراین

<sup>۳۳</sup> اتراف به معنای نعمت و آسایش در زندگی کردن، و خوش گذراندن است. مترف، کسی است که راحتی و آسایش در زندگی او را فریفته باشد و دارای نعمت زیاد و گشایش در بهره‌وری از دنیا و خواسته‌های آن باشد. مترفین، یکی از گروه‌هایی هستند که در قرآن مورد مواخذه قرار گرفته‌اند. این واژه و مشتقات آن هشت بار در قرآن مجید آمده است. اصل این واژه در کلام خدای سبحان و اولیاء خدا یاد نشده مگر با ملامت و مذمت. اتراف از نظر اقتصادی عامل رکود، از نظر اجتماعی عامل فساد و از نظر سیاسی باعث تفرقه می گردد.

برای دیگران، ای قبیصه! ممنوع و نامشروع است سوال و درخواست؛ اگر کسی چنین کند، پول نامشروع و غیرقانونی را می‌بلعد.

## ۲-۵- ارث و نقش آن در ایجاد انگیزه برای فعالیت مولد

از احکام اسلام است که اموال شخص پس از فوتش به نزدیکان او داده شود. این قاعده جنبه ایجابی<sup>۲۴</sup> احکام ارث را نشان می‌دهد که چه بسا محرک فعالیت اقتصادی انسان در سال‌های پایانی عمرش باشد. از آنجا که فرزندان و نزدیکان فرد امتداد وجودی شخص پس از مرگش می‌باشند، لذا فعالیت اقتصادی تا لحظات پایان عمر انگیزه خوبی برای رشد تولید و افزایش ثروت جامعه فراهم می‌آورد. بدین ترتیب، اسلام برای استفاده مطلوب از همه افراد اعم از پیر و جوان از همه فرصت‌های ممکن و معقول بهره‌برداری می‌کند.

## ۲-۶- حرمت فعالیت های ربوی

اسلام همانند دیگر ادیان الهی با ظالمانه خواندن قرض ربوی، به شدت با آن به مبارزه پرداخته و در صدد ریشه کن کردن آن برآمد. اسلام سرمایه نقدی را به جای حرکت در جهت مضر سفته‌بازی<sup>۲۵</sup>، به فعالیت‌های صنعتی و بازرگانی سوق داده و به سرمایه‌های تولیدی و مفید تبدیل می‌کند.

## ۲-۷- ترغیب و ارشاد به استفاده از برخی عقود

با تحریم ربا، اسلام برای تامین مالی نیازهای مصرفی و سرمایه‌گذاری راه‌هایی را پیشنهاد یا امضا کرده است. اسلام برای تامین نیازهای مصرفی راه‌های انفاق، قرض الحسنه، فروش نسبه و برای تامین نیازهای سرمایه‌گذاری راه‌های مشارکت (شرکت)<sup>۲۶</sup>، مضاربه<sup>۲۷</sup>، مزارعه<sup>۲۸</sup> و مساقات<sup>۲۹</sup> و در مواردی بیع نسبه<sup>۳۰</sup> را جایگزین کرد.

<sup>۲۴</sup> حکم ایجابی یکی از اصطلاحات به کار رفته در علم منطق بوده و به معنای اثبات معمول برای موضوع یا حکم به ثبوت اتصال بین مقدم و تالی است. ایجاب یعنی واقع ساختن نسبت و سلب یعنی از میان برداشتن آن.

<sup>۲۵</sup> سفته‌بازی: انجام معاملات اقتصادی ریسک‌دار، به منظور حصول سود از نوسانات کوتاه یا میان مدت. درآمد دلالی بدون انجام هیچ نوع کاری مجاز نیست و ریسک هم حقی برای کسب درآمد ایجاد نمی‌کند.

<sup>۲۶</sup> شرکت، قراردادی است که بر اساس آن اعضا یا شرکا سود حاصل از سرمایه را تقسیم می‌کنند.

### ۳- بخش دولتی و رشد اقتصادی پایدار

دولت مظهر وحدت سیاسی یک ملت و نماد قدرت اجتماعی اصیلی در زندگی انسان می باشد که از دیدگاه قرآن کریم، منشأ دولت با ارسال رسولان آسمانی و به وسیله آنان برای رفع اختلاف مردم و ایجاد تعادل در جامعه بشری بوده است. در قلمرو رشد پایدار اقتصادی ارزش‌های فقهی مورد نظر اسلام که دولت مکتبی می بایست به آنها توجه و عمل کند به ترتیب زیر می باشند:

۱. سرمایه گذاری در نیروی انسانی ماهر و متعهد؛
  ۲. انباشت سرمایه فیزیکی به ویژه در امور زیربنایی؛
  ۳. نظارت بر بهره وری؛
  ۴. مداخله مسئولانه دولت در مبادله (به مثابه جزئی از فرایند تولید)؛
  ۵. کاهش انواع نابرابریهای اقتصادی (تاثیر کاهش نابرابری بر رشد)؛
  ۶. نظام جامع تأمین اجتماعی (تاثیر تامین بر کارایی نیروی کار)؛
  ۷. هزینه‌مند کردن گدایی، بیهوده کاری و کارهای حرام.
- اکنون به ترتیب هر یک از موارد فوق به طور مختصر توضیح داده می شود.

---

<sup>۲۷</sup> مضاربه قراردادی است که میان عامل و صاحب مال بسته شده و به این صورت است که عامل با سرمایه صاحب مال به داد و ستد پرداخته و در برابر آن به نسبت درصدی در سود با وی شریک می شود که البته اگر سودی بدست آید آن را با دارنده مال برپایه قرارداد تقسیم می کند. اما آن سرمایه گذاری منجر به زیان گردد تنها دارنده مال است که خسارت را تحمل می کند و تنها ضرری که متوجه کارپرداز می گردد، همان کوشش و اقدامات بی نتیجه است، البته ممکن است در قرارداد قبول ضرر بر عهده عامل باشد. شرط اساسی درستی مضاربه قبول خطر از جانب صاحب سرمایه و عدم ضمانت نسبت به سرمایه است.

<sup>۲۸</sup> مزارعه یکی از روش‌های تأمین مالی کوتاه مدت در بخش کشاورزی است، که به موجب آن یکی از طرفین در زمین دیگری به کشاورزی می پردازد و محصول را آن طور که در عرف رایج است تقسیم می کنند.

<sup>۲۹</sup> مساقات قراردادی میان صاحب درختان یا باغستان با عامل است که متعهد می گردد مراقبت و رسیدگی از جمله آبیاری نسبت به درختان یا باغ داشته باشد و در نهایت محصول به دست آمده به نسبتی که قبلاً توافق کرده بودند، میان هر دو تقسیم شود.

<sup>۳۰</sup> بیع نسبه عبارت است از معامله‌ای که کالا، نقد ولی بهای آن مدت دار است.

### ۳-۱- سرمایه‌گذاری در نیروی انسانی ماهر و متعهد

یکی از علل مستقیم رشد اقتصادی پایدار، انباشت مهارت‌های فنی، حرفه‌ای و علمی است. البته قبل، همراه و بعد از این انباشت، همواره می‌بایست انسان مورد نظر مکتب حاکم بر آن جامعه تعلیم و تربیت شود تا تعهد اجتماعی لازم برای هدر نرفتن سرمایه‌گذاری در نیروی انسانی ماهر و عدم فرار مغزها و تخصص‌ها ایجاد شود. از این جهت برپایی نظام آموزش عمومی از طریق مدارس، دانشگاه‌ها، حوزه‌ها، رسانه‌های عمومی و به ویژه مساجد و حسینیه‌ها و بالاخص ارتباط‌های چهره به چهره به منظور ارتقای فرهنگ دینی و تصحیح روابط اجتماعی، اولین اقدام در این مسیر می‌باشد.

### ۳-۲- انباشت سرمایه فیزیکی به ویژه در امور زیربنایی

یکی دیگر از علل مستقیم رشد اقتصادی پایدار، انباشت سرمایه فیزیکی است. در نظام اقتصادی اسلام هر چند بخش خصوصی نقش اصلی در احیای اقتصاد کشور دارد، اما با توجه به سلطه‌ای که دولت در اقتصاد از طریق مالکیت عمومی و دولتی دارد، می‌توان به نقش مهم دولت اسلامی در انباشت سرمایه فیزیکی به ویژه از طریق کم کردن هزینه تولید برای بخش خصوصی از راه سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی پی‌برد. پیامبر اکرم (ص) افزون بر اهمیتی که برای انباشت سرمایه انسانی قائل بود، به ایجاد زمینه‌های فیزیکی توسعه نیز اهتمام خاصی داشت. ایجاد محل مناسبی برای بازار در شهر مدینه و گسترش شبکه‌های ارتباطی از جمله این اقدام‌ها است. همچنین به منظور تامین مسکن مسلمانان مهاجر، به تقسیم زمین میان آنها اقدام کرد و با این شیوه یکی از نیازهای اساسی آنها را برآورد. توسعه شبکه‌های آبیاری با حفر چاه‌ها و قنوات و وقف آنها در بین مسلمانان، از اقدام‌های امام علی (ع) است.

### ۳-۳- نظارت بر بهره‌وری

امروزه با توجه به رشد جمعیت، کمیابی منابع و گسترش رقابت در بازار جهانی، استفاده بهینه و کارآمد از منابع انسانی و فیزیکی و افزایش بهره‌وری آنها، نقش مهمی در رشد اقتصادی کشورها ایفا می‌کند. بهره‌وری دارای سه مولفه مهم است: کارایی، ثمربخشی و به کارگیری مداوم عوامل تولید. کارایی به مفهوم «اجرای درست کارها» است. در حالیکه ثمربخشی به معنای «اجرای کارهای درست» می‌باشد. در سطح کلان، اجرای کارهای درست منوط به برنامه‌ریزی است.

برنامه‌ریزی به عنوان تفکر نظام مند در امور و ترسیم راه برای آینده، با تکیه بر مطلوب‌ترین راه استفاده از دانش و فناوری، یکی از وظایف مهم دولت‌های کنونی برای توسعه یافتگی و پیشرفت است.

### ۳-۴- مداخله مسئولانه دولت در مبادله (به مثابه جزئی از فرایند تولید)

احتکار و انحصار در بازار، نقش اصیل مبادله را بر هم زده، تضاد بین عرضه و تقاضا را تعمیق می بخشد. انگیزه سرمایه داران بزرگ از تولید و فروش، سرازیر کردن پول در گردش جامعه به ویژه سکه‌های طلا و نقره به انبار گنج‌های خویش است. آنها پول در گردش - طلا و نقره - را به تدریج مکیده، مبادله را از وظیفه خویش که واسطه بین تولید و مصرف است، باز می دارند. در عصر جدید و در مبادلات سرمایه داری نیز تجارت از وضعیت طبیعی و درست آن که از حاجت‌های علمی و منطقی بشر ناشی بوده، منحرف شده است. به جای آنکه انتقال کالا از نقطه‌ای به نقطه دیگر صورت گیرد و مرحله پایانی فرایند تولید (یعنی مبادله) منفعت جدیدی برای کالا ایجاد کند تا مصرف کننده از آن بهره برداری نماید و مبادله کننده (تاجر) هم سودی ببرد، مبادله و تجارت تغییر ماهیت داده، سود ناشی از آن فقط به سبب عقود به ظاهر قانونی است که زمینه انتقال مالکیت را فراهم می آورند؛ لذا در تجارت سرمایه داری، گاهی عملیات به ظاهر قانونی انتقال مالکیت، بدون آنکه کالا و خدمات تازه‌ای پدید آمده باشد، به دفعات (به تبع به واسطه‌ها) در کالای واحدی (مثل خرید و فروش نفت کاغذی در بازارهای بورس) اجرا می شود؛ در نتیجه، بسیاری از این راه سود می برند. بدیهی است که این نوع فعالیت‌ها محکوم است؛ زیرا عملیات پیش گفته با اعتقاد اسلام از مبادله که آن را جزئی از فرایند تولید می داند، منافات دارد.

### ۳-۵- کاهش انواع نابرابری‌های اقتصادی

ممنوعیت تمرکز ثروت، طبق نص قرآن کریم کئی لا یكون دولة بین الأغنیاء منکم ادر نظام اقتصادی اسلام ثابت شده است. اگر چه این ممنوعیت به طور مستقیم با مسئله توزیع مربوط می شود، ولی از آنجا که مخاطرات آن، نظام تولید جامعه را نیز

<sup>۳۱</sup> آنچه خدا از [دارایی] ساکنان آن قریه‌ها عاید پیامبرش گردانید از آن خدا و از آن پیامبر [او] و متعلق به خویشاوندان نزدیک [وی] و یتیمان و بیوایان و درراه‌ماندگان است تا میان توانگران شما دست به دست نگردد و آنچه را فرستاده [او] به شما داد آن را بگیری و از آنچه شما را باز داشت بازایستید و از خدا پروا بدارید که خدا سخت کیفر است (حشر، آیه ۷)



تهدید می‌کند به طور غیرمستقیم با تولید هم مربوط می‌شود. زیرا تمرکز سرمایه در دست عده معدودی، فقر عمومی را به همراه خواهد داشت که در نتیجه، به علت پایین بودن قدرت خرید عمومی، توده مردم نمی‌توانند نیازهای خود را برطرف کنند. از این رو کسادی و رکود بر سازمان تولید مستولی می‌شود و آن را مختل می‌کند.

### ۳-۶- نظام جامع تأمین اجتماعی

اسلام اصول قانونی «تأمین اجتماعی» را وضع کرده است. این موضوع در قلمرو بخش خصوصی حائز اهمیت بسیار می‌باشد. زیرا اعتمادی که بخش خصوصی از رهگذر حمایت دولت، حتی در صورت عدم موفقیت در فعالیت‌های اقتصادی کسب می‌کند، انگیزه روحی مهمی است که جرأت اقدام به کار و عنصر ابتکار و اختراع را در شخص پرورش می‌دهد. در غیر اینصورت اغلب از ترس ضررهای احتمالی که نه تنها دارائی و زندگی و حیثیت شخص را تهدید می‌کند انسان دست به کاری نرزد و فعالیت‌های گذشته را از سر نمی‌گیرد.

### ۳-۷- هزینه مند کردن گدایی، بیهوده کاری و کارهای حرام

اگر گدایی، بیهوده کاری و کارهای حرام در یک جامعه اسلامی قرار است از امور ناهنجار باشند، دولت به عنوان مسئول نهایی امور جامعه می‌بایست اقدام‌هایی انجام دهد که هزینه امور ناهنجار از جمله امور فوق بالا برود. مصادیق این اقدام‌ها در صدر اسلام و در همه جوامعی که می‌خواهند با امور ناهنجار مبارزه کنند فراوان است.

### ۴- بخش سوم و رشد اقتصادی پایدار

در عصر جدید بخش سومی در حیات اقتصادی کشورهای جهان در حال شکل‌گیری است که پاسخی به ناکامی‌های بازار (بخش خصوصی: بخش اول) و دولت (بخش عمومی: بخش دوم) است. بخش سوم که بخش مستقل یا داوطلب یا بخش اجتماعی اقتصاد نیز نامیده می‌شود به دو صورت متصور است:

اول، انسان‌ها وقت خویش را به یکدیگر اختصاص می‌دهند و طیف وسیعی از خدمات عمومی تا خدمات درمانی، تعلیم، آموزش و پرورش، هنر، مذهب و وکالت را شامل می‌شود؛ مانند هیئت‌ها و بنیادهای خیریه، نهضت سواد آموزی و... که در این صورت، انباشت سرمایه انسانی صورت گرفته و بهره‌وری فقرا افزایش می‌یابد.

دوم، انسان‌ها مال خویش را در اختیار دیگران قرار می‌دهند بدون اینکه انگیزه سودجویی داشته باشند، بلکه انگیزه دیگرخواهی در این اعمال با شدت و ضعف وجود دارد.

برخی از ارزش‌های رفتاری دیگر خواهانه که اسلام بر آن تأکید دارد و بخش سوم جامعه اسلامی می‌تواند برای افزایش رشد اقتصادی پایدار انجام دهد عبارتند از:

۱. امر به کار و تلاش (معروف) و نهی از تنبلی و گدایی (منکر)؛
۲. افزایش سطح تولید و اشتغال از طریق گسترش امور عام‌المنفعه؛
۳. افزایش تقاضا و گسترش بازار (و در نتیجه افزایش سرمایه‌گذاری و رشد) از طریق کمک به فقرا.

## ۵- فقرا و رشد اقتصادی پایدار

فقیر کسی است که مخارج سالیانه خود و افراد تحت تکفل خودش را ندارد. حال پرسش اساسی این است که آیا مکتب اقتصادی اسلام در ارتباط با رشد اقتصادی پایدار، ارزش‌های رفتاری خاص برای فقرا تعریف کرده است؟ شخص فقیر چه کمکی به خود و جامعه اسلامی در جهت رونق اقتصادی می‌تواند انجام دهد؟ مطالعات در این مورد نشان می‌دهد که اسلام به طور جدی از فقرا می‌خواهد که این دو کار را انجام دهند:

۱. لزوم انجام کار اقتصادی (کسب رزق و روزی)؛
۲. تداوم بر کار درآمدزا و مورد علاقه.

## ۵-۱- لزوم انجام کار اقتصادی (کسب رزق و روزی)

از واجبات مسلم بر هر فرد مومن، لزوم انجام کار اقتصادی برای تامین زندگی خود و خانواده است. در متون دینی هرگاه کسی که با قصد کسب رزق و روزی سراغ کار رود تا نیاز خود را برطرف سازد، کار او عبادت شمرده می‌شود.

انسانی که در راه کسب درآمد برای تامین زندگی سختی می‌بیند، خداوند به او ثواب می‌دهد،<sup>۳۲</sup> و پیامبر گرامی اسلام (ص) بر چنین دستی بوسه می‌زند.<sup>۳۳</sup>

عزت، مغفرت، و آرامش روحی از آثار تلاش برای کسب رزق و روزی است. بر شخصی که می‌تواند کار کند، استفاده از صدقه و زکات مخصوص فقیران حرام است. پیامبر (ص) فرمود: صدقه و زکات برای شخص بی‌نیاز، نیرومند و سالم و صاحب مهارت و توانا جایز نیست. امام باقر علیه السلام در توضیح آن بیان می‌دارد:

اگر می‌تواند خود را از زکات بی‌نیاز سازد، جایز نیست آن را بگیرد. با این حال، آنچه در یک جامعه اسلامی مهم است، ایجاد انگیزه کار در افراد به‌ویژه فقرا می‌باشد. زیرا به اعتقاد مردم همواره نخستین قدم است که اهمیت دارد.

اسلام راه‌های کسب و کار مناسب را به شخص فقیر نشان می‌دهد. ابتدا به او می‌گوید تو می‌توانی. در واقع، داستان مرد انصاری سائل که پیامبر (ص) به او روش صبوری و پیگیری در کار را آموزش می‌دهد،<sup>۳۴</sup> درس بزرگی برای همه است که خداوند درهای رزق و روزی را برای کسی که تقریباً هیچ مالی هم ندارد، باز گذاشته است. هیچ کاری حتی جمع کردن هیزم و فروش آن عیب نیست، بلکه بیکاری، تبلی و ابراز نیاز و سوال و گدایی از مردم و دولت نقص و عیب است، مگر اینکه به حد ضرورت برسد. دولت نظارت و کنترل این امر را به دست می‌گیرد تا گدایی رواج نیابد و مستحق واقعی شناسایی شده و به حقش برسد.

<sup>۳۲</sup> در روایات، ثواب فراوانی برای کار و کسب مؤمن بیان شده است. پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمود: کسی که از تلاش و زحمت و کار روزی خود را به دست می‌آورد از پل صراط همچون برق می‌گذرد و خداوند با نظر لطف و مهربانی با او برخورد می‌کند و هیچ گاه او را عذاب نخواهد کرد. خداوند آنرا که اول صبح در پی روزی برود دوست می‌دارد.

<sup>۳۳</sup> از امام صادق علیه السلام نقل شده است که وقتی پیامبر از جنگ تبوک بازگشت سعید انصاری به استقبال حضرت آمد و پیامبر با او مصافحه کرد و دید که دست او زبر و خشن است. فرمود: به دست چه آسیبی رسیده است؟ گفت با طناب و بیل کار می‌کنم و درآمد آن را به مصرف خانواده ام می‌رسانم. حضرت دست او را بوسید و فرمود: این دستی است که آتش جهنم به آن نمی‌رسد.

<sup>۳۴</sup> پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود اگر کسی هیزم جمع کند و بر دوش بگیرد و آن را بفروشد و نیاز خود را برطرف سازد بهتر از این است که از دیگران درخواست کند. مؤمن نباید به بیت المال چشم داشته باشد. باید با کار و تلاش شخصیت خود را حفظ کند. درخواست کمک از بیت المال نیز عزت و شخصیت فرد را از بین می‌برد. یکی از یاران پیامبر (ص) که در سختی به سر می‌برد، نزد حضرت رفت تا کمک بخواهد. پیامبر (ص) فرمود هر کس از ما چیزی بخواهد به او می‌دهیم ولی اگر به دنبال ثروت برود خدا او را بی‌نیاز می‌کند. مرد سه بار نزد حضرت رفت و همان سخنان را شنید. سپس کلنگی عاریه کرد و از کوه مقداری هیزم آورد و در ازای مقداری آرد فروخت و همچنان ادامه داد تا اموالی فراهم ساخت. زکات و کمک دولتی به کسی اختصاص می‌یابد که توانایی کار کردن و تامین معاش خود را نداشته باشد.

## ۵-۲- تداوم بر کار درآمدها و مورد علاقه

نکته مهم درباره تلاش و کوشش انسان این است که هر کس می‌بایست کسب و کار خود را منطبق با استعداد های ذاتی خود انتخاب کند. پیامبر خدا (ص) فرمود: هرگاه خداوند از طریقی برای یکی از شما روزی را مقرر فرمود، آن را رها نکند، مگر آنگاه که تغییری در آن حاصل شود یا از آن بیزار شود. البته کشف این استعداد نیز یکی از مشکلات نیروی انسانی است. ولی هم فرد، هم دولت و هم نهادهای مدنی باید به این مهم پردازند.